

پیشم و مروارید

ماهنامه فرهنگی اجتماعی، شماره 21 آذر 1393 - توزیع منطقه ابوزیدآباد - جهت دریافت رایگان، تماس بگیرید

تاملی در قرآن.. اگر نبود بخاطر اینکه تمام انسانها جملگی کافر شوند ما به کافران خانه هایی چندین طبقه از جنس طلا و جواهرات میدادیم تا با پلکانی آن بالا روند و برای آن خانه ها درهای متعدد و تخت هایی برای لمیدن و انواع زیورات قرار میدادیم. اما بدانید که همه اینها متاع ناچیز زندگی دنیاست و زندگی واقعی در نزد پروردگار تو در آخرت مخصوص پرهیزکارانست - **سوره زخرف**

حضرت آیت ا... خامنه ای: احیای نهج البلاغه فقط وظیفه ی ما شیعیان نیست، بلکه وظیفه ی همه مسلمانها است، یعنی هر کس علی ابن ابی طالب علیه السلام را قبول دارد و مسلمان است - چون در اسلام کسی نیست که این بزرگوار را قبول نداشته باشد - به عنوان احیای یک میراث بی نظیر اسلامی باید نهج البلاغه را زنده کند.

امروز می خواهم به مصاف تزویر بروم که بدترین آفت دین است. تزویر با لباس دیانت و تقوا به میدان می آید. تزویر سکه ای دو روست که بر یک رویش نام خدا و بر روی دیگرش نقش ابلیس است. عوام خدایش را می بینند و اهل معرفت، ابلیسش! و چه خون دلها خورد علی از دست این جماعت سر به سجود آیه خوان و به ظاهر متدین! تزویر به شما امان می دهد تا مقاومتان را بشکند. پس از غلبه شک نکنید گردنتان را خواهد شکست!

یا ایها الذین آمنوا ، آمنوا ! ای کسانی که ایمان آورده اید، ایمان بیاورید!

می ایستد تا عیار خود را بسنجد و خود را در برابر میزان قرار می دهد تا کم و کاستی خود را جبران کند. اثر سیاسی زیارت، اعلان بیعت با آرمان امامان (ع) است. در کمتر زیارتی است که مضامینی مانند این مضامین نباشد: «انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم و ولی لمن والاکم و عدو لمن عاداکم». قرینه نقش پررنگ سیاسی زیارت امامان، برخورد خلفای جبار با آن است. گنبد و بارگاه ابی عبدالله (ع) چه تاثیری دارد که متوکل می گوید: تربت ابی عبدالله (ع) را ویران کنید و شخم بزنید؟ تاثیرش این است که هر که به زیارت ابی عبدالله (ع) می آید سر تا پایش ضد ظلم و طغیان و فساد می شود و این چیزی است که حکومت های ظالم را آشفته می سازد. زیارتگاه های اسلامی جلوه گاه فرهنگ و هنر و تمدن اسلامی هستند. معماری ، کاشی کاری ، معرق کاری ، منبت کاری ، آینه کاری و ده ها هنر تمدن ساز دیگر در سایه زیارتگاه ها به دنیا آمده و رشد یافته اند. چنان که انتقال فرهنگ ها و تمدن ها نیز در همین سفرهای زیارتی صورت پذیرفته است. پس بی جهت نیست که دشمنان اسلام ، امروزه عده ای متحجر وحشی بی فرهنگ و تمدن شناس را برای تخریب مظاهر فرهنگ و تمدن اسلامی و کشتار زائران و ویران کردن کانون های تربیت و تعالی فکری و اخلاقی و خاموش کردن چراغ فروزان اسوه های اسلامی، اجیر کرده اند تا با شعار مبارزه با شرک، کانون های توحید را در هم شکنند. **يُرِيدُونَ لَيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ**

شیخ عبدالرضا عرب

نقش زیارت در فرهنگ و تمدن اسلامی

اربعین حسینی ، یادآور دو رخداد تاریخی در تقویم شیعه است. یکی حضور جابر بن عبدالله انصاری و عطیبه عوفی بر مزار سالار شهیدان ،چهل روز پس از عاشورا و دیگری حضور کاروان اسرای اهل بیت (ع) پس از بازگشت از سفر شام به کربلا. نقطه مشترک این دو رخداد تاریخی ، نقش آفرینی آن در اهمیت یافتن زیارت اربعین است. زیارتی که در روایات ائمه اطهار یکی از علائم انسان مومن به شمار آمده است و امروزه به شکل راهپیمایی میلیونی ، مانور سیاسی مذهبی شیعه را به نمایش می گذارد. زیارت قبور و بقاع متبرک ، گر چه در سایر ادیان نیز از سابقه دیرینی برخوردار است اما ، جایگاه و اهمیتی که موضوع زیارت در اسلام دارد بی نظیر است. در اسلام تأکید فراوانی بر زیارت پیامبر و امامان و شهدا و علما و اهل قبور شده است. امام صادق (ع) فرمود: : ”هر کس ما را پس از مرگمان زیارت کند، گویا در حال حیات ، زیارتمان کرده است.“ زیارت پیامبر و امامان ، نشانه احترام به مقامشان ، پیروی از راهشان ، تبعیت از مواضعشان ، استمرار خطشان ، تجدید عهد با امامتشان ، وفاداری به ولایتشان و زنده نگاهداشتن نام و یاد و خاطره و فرهنگ و تعالیم آنان است. زیارت آنگاه که با معرفت و شناخت همراه گردد و با نیت و انگیزه های ناب و رعایت آداب و شرایط صورت پذیرد ، آثار و برکات فراوان مادی و معنوی به دنبال خواهد داشت. زیارت دارای آثار تربیتی و معنوی برای زائر، و باعث الهام گرفتن از اسوه ها و تعظیم شاعر و تقدیر از فداکاری ها و تجلیل از پاکی هاست. زائر در برابر آینه تمام قد فضیلت ها

پیامک های شما SMS

30001300014000

۵۶۹۱*۰۹۱۳: سه ساله بود که پدرش آسمانی شد! دانشگاه که قبول شد همه گفتند با سهمیه قبول شده.. ولی هیچگاه نفهمیدند وقتی خواستند به او یاد دهند بابا...! ، یک هفته در تب سوخت ائتدیم به فرزندان شهدا که وارثان بهترین بندگان خدایند. (عباس رشیدی)

۷۰۲۰*۰۹۱۳: از صدای گذر آب چنان میفهمی. تندتر از آب روان، عمرگران میگذرد. زندگی را نفسی ارزش غم خوردن نیست! آرزویم اینست، آنقدر سیر بخندی که ندانی غم چیست! سال نومبارک

ماهنامه: سال نو شما هم مبارک دوست عزیز!

۴۰۶*۰۹۳۵: سلام، به نظرم اصلا مجلنون چیز پخته ای نیست...به امید روزی که کمی فرهنگمونو بالا ببریم.. قسمت حقایق شیرین خیلی بد بود.. خیلی هم تلخ..

ماهنامه: از اینکه نتونستیم نظر شما رو جلب کنیم متاسفیم دوست عزیز

۹۴۷۴*۰۹۱۳: یه جایی هست تو زندگی که دلت گرفته ولی مجبوری بخندی و شاد باشی، بهش میگن اوج بدبختی

۳۵۰*۰۹۱۳: سلام وخسته نباشید دوستان و بزرگواران ماهنامه یشم و مروارید. دکترسلمانی هستم. توصیه میکنم درسریگ ماهنامه تون همراه حداقل یک آیه تامل برانگیز را به صورت ترجمه بنویسید. باتشکر

ماهنامه: سلام و عرض ادب جناب سلمانی. ممنون از مطالعه ماهنامه و پیشنهاد شما. توصیه ی شما را از این شماره عملی کردیم. همچنین مشتاق حضور قلم شما در ماهنامه هستیم.

۳۲۴۴*۰۹۱۰: یوسف می دانست تمام درها بسته اند اما به خاطر خدا و به امید او حتی به سوی درهای بسته دوید و تمام درها باز شد. اگر تمام درهای دنیا هم به رویت بسته باشند دنبال درهای بسته برو چون خدای تو و یوسف یکی است...

آماده دریافت پیامک ها و نظرات شما



استاد حسین مشهدی، خادم مسجد علی بن ابی طالب (ع) محمدآباد، مسجد مذکور، در سال ۵۹ با وقف و کمک های مردمی بنا شد. دارای ۱۶۵۰ متر مساحت کلی و ۵۰۰ متر زیربنا می باشد. خداوند ایشان و خانواده ی محترم را محفوظ بدارد. امتیاز کانون الغدیر متعلق به مسجد علی بن ابی طالب می باشد. خانه عالم روستا نیز با همکاری بسیج سازندگی و کمک های مردمی در سال ۸۹ احداث شد.

ماهنامه ی الغدیر با هزینه ی شخصی چندی از دوستان که هر ماه مبلغی اهدا می نمایند به چاپ می رسد. این دوستان شما را به جمع خود به گرمی می پذیرند:

همگام ما باشید. همچنین خرسند خواهیم شد اگر هر ماه چند خطی مهمان دوستان تاییست باشیم

ضمناً، ما از طریق درآمدهای تبلیغی ماهنامه قصد خریداری یک مرکز فرهنگی در تهران را داریم!

شماره تماس ۰۹۱۲۳۴۵۶۷۸۹

خاکستر.. محمدعلی ایلیاتی. هر وقت نهالی سبز می شود یک درخت خشک می شود... چوب من برای زغال شدن آماده است... زغالی شاید برای قلبانی شیک... شاید برای تنور پیرزنی... شاید تکه ای در دست کودکی برای کشیدن خطوط مارپیچ بر روی دیوارهای این شهر پر توصیف... و شاید خاکستر از شدت حرارت آتش... گمانم بهتر است خاکستر باشم برای پاک کردن کاسه های چربی گرفته ی مادری... تا آب بشوید مرا، تا دوباره به ریشه ی همان نهال مغرور برگردم و نهال را پیام دهم که سرو هم شوی، آخر همینجا.. خاک خاک خاک...



چرا موسسه منتظران ظهور ابوزیدآباد گوی سبقت را از کتابخانه عمومی ابوزیدآباد ربود؟ کلنگ ساختمان موسسه منتظران ظهور ابوزیدآباد با تلاش و فداکاری آقای محمدرضا فرهادی در سال ۱۳۸۹ به زمین خورد و پس از چهار سال در مهرماه امسال با مساعدت خیرین بزرگوار دکتر عباس کاووسیان و دکتر امیر سلمانی به اتمام رسید و حال اینکه ساختمان مجاور آن موسسه - یعنی کتابخانه عمومی ابوزیدآباد - که کلنگ تاسیس آن در سال ۱۳۸۶ بر زمین خورده است کماکان منتظر بودجه های دولتی است. خواستم بگویم اگر بخواهیم منتظر بودجه های دولتی باشیم راه به جایی نخواهیم برد. بر اساس مصوبه جدید مجلس شورای اسلامی، دستگاه های اجرایی مجاز به تکمیل پروژه های نیمه تمام دولتی با استفاده از مشارکت خیرین شدند. در همین راستا به مسئولین محلی شهر ابوزیدآباد و نیز شهرستان آران و بیدگل پیشنهاد می گردد، با عنایت به مجوز قانونی فوق در جهت تکمیل کتابخانه عمومی شهر ابوزیدآباد با مساعدت و مشارکت های خیرین اقدام نمایند. شایان ذکر است که کلنگ تاسیس ساختمان کتابخانه عمومی شهر ابوزیدآباد از سال ۱۳۸۶ به زمین خورده است، اما تاکنون علی رغم پیشرفت فیزیکی هشتاد درصدی سازه، بدلیل کمبود اعتبارات به اتمام نرسیده است. ساختمان کتابخانه عمومی شهر ابوزیدآباد، رو به روی کاروانسرای شاه عباسی و در مجاورت موسسه قرآنی منتظران ظهور ابوزیدآباد قرار دارد. حسن امجدیان

اگر بهتان بر نمیخورد بگوید کمی از شما انتقاد کنیم!

از جمله جاهایی که ماهنامه را می بریم، آشنانی* ابوزیدآباد است. سری آخر که رفتیم هر چه سرفه کردیم در زدیم صدا زدیم صدای دوستان می آمد ولی کسی نکفت خبری هست، نیست! از بس مردم منطقه ی ما محتاطند و دست اتفاقات را گرفته اند تا نیافتند، خیال این دوستان هم به موازات محتاطی مردم جمع است. البته موقع نماز بود احتمالاً دوستان نماز می خوانده اند.

+ یارو موقع مردن وصیت میکنه: سی سال برام نماز صبح و مغرب و عشا بخوانید. میگن ظهر و عصر چی؟ میگه اونا رو تو اداره خوندم...

*آشنشانی: همان آشفانی خودمان!

آلبوم پروانه و آتش

۱- برای زندگیمون

۲- دیدار آخر

۳- پروانه و آتش

۴- ناجی

۵- می بخشمت

۶- نیمکت خالی

۷- تقویم بی تو

۸- تو را گم کردم



به زودی انتشار آلبوم

« پروانه و آتش »

با صدای

جواد بافری

در سراسر ایران

نقش هستی بخش - مجید بهزادی

دانش آموزی بگفتی پیش بابایش ببین تا چه نقاشی زیبا کرده ام من ابتکار گفت بابایش زهی صد آفرین بر هنرمندی چو تو استاد در نقش و نگار حالیا من کاغذی بینم در آن رنگ سیاه یک سیاه یکسر و نبود در آن نقشی بکار گفت ای بابا اگر چشمان دقیق آری به نقش نیمه شب بینی به کاغذ صحنه ای از یک شکار در سیاهی شبی یک گربه با رنگ سیاه بر سر تلی زغال آورده خود را استتار مکث کوتاهی نمود و باز پرسید از پسر آن سفید خالی از الوان چه از نقشی ببار؟ گفت فرزندش که آن یک بس گران و ناتمام بوده و در حد انسان نیست کردن استوار خواستم زیبایی نقش خداوندم کشم آن امیر لایموت تا ابد پروردگار رنگ بیرنگ آمد و مو گشت سیخ بر قلم مو و سرم سوزاند دستم را شرار رنگ زردی ترس بر رویم نشاند طاقتم را برد و آمد گریه ام در زار زار کاغذم را نور دیدم نقش هایش شد تهی پر ز اوهام از کلاسم رو به در کردم فرار از قفا بگرفته و تنبیه کردم در کلاس با یکی شلاق در زنگ هنر آموزگار او گمان می کرد هستم من یکی اخلاکگر خواست تا منعم کند از شیطنت آن کشته کار من ندانسته که نقش ناتمامم روی برگ خالق نادیدنی نبود به نقشی در قرار ذات هستی بخش کی در نقش می آید مجید کامل نقش آفرین بی نقش باشد ماندگار

درگذشت پیر غلام اهل بیت، حاج ابوالقاسم نجفی را به خانواده ی محترم، هیئت ابوالفضل محمدآباد، و آقای احسان بیسه مسئول چاپ ماهنامه الغدیر، تسلیت عرض می نمایم *هیئت امنای مسجد علی بن ابی طالب، کانون الغدیر

می گفت: بر تصاویری که آب از جنگلی بزرگ، ناشناخته، محو و بی پایان در خود دارد چه نور امیدی است؟ راهی به راهی نیست. آبی که مرده است هنوز هم گاهی سبزی این همه سبز را نشان می دهد؛ گاهی که انوار بی امان، خود را بر مرداب های راکد به مهر می بخشند. نه راه گریزی نیست. و ساعت های شماطه دار، این ساعت های خفته ی بیمار، هرگز چیزی از آن رنگها نمی دانند. آبی! با پلیدی آمیخته ای. سبزی! باهرچه سایه گره خورده ای. سرخی! درمانده بر تله ای سیاه از سیاهی، جان داده ای. بین این همه رنگ، این همه نور این همه روشن ها در خود داری. ولی سیاهی! هر روز تیره تر، بدمست تر و مرداب تر می شوی. و اگر روزی پرنده ای کوچک و روشن، قطره ای از تلخات نوش کند؛ نوش ات زهر می شود، می میرد. راه را را دزدیده ای. ای باتلاق آدمخوار. هرچه را به خود تنیده ای. و گاهی که انعکاسی پست و بی مایه بر سطحی متوهم فروافتد، کذب محض می شوی. کذب محض! گفته بودم: به همه چیز فکر میکنم، به همه صداها فکر می کنم، به همه سطح ها فکر می کنم، به همه نواها فکر میکنم. جرقه های آتش،

نسیم توکلی - آذر ۹۳

نیستیم. ما همه عضوی از نظام مقدس هستیم. هیچ کس حق ندارد تقدسات را زیر سوال ببرد. قاضی خطاب به متهم: آیا تمام اتهامات را قبول داری؟ متهم: بله جناب قاضی. قاضی: آیا تو در شب ۹ سپتامبر دست به جنایت زدی؟ متهم: بله جناب قاضی. قاضی: آیا این طناب، همان آلت قتلی است که میخواستی با آن دست به جنایت بزنی؟ متهم: بله جناب قاضی. قاضی: تو متهم به خودکشی هستی. آیا حقیقت دارد؟ متهم: بله جناب قاضی.

قاضی: آیا قبول میکنی که گناهکاری؟ متهم: بله جناب قاضی. قاضی: آیا از خودت دفاعی داری؟ متهم: نه جناب قاضی. قاضی: متهم جایگاه را ترک کند. هیأت منصفه وارد شور شود. "ده دقیقه بعد" قاضی: حاضرین قیام کنند. منشی دادگاه رأی را اعلام کند. منشی: بنابر ماده ۹ قانون مدنی نظام حاکم و بنا بر مصوبه ی دیوان عدالت عالی، طبق رأی هیأت منصفه متهم محکوم به اشد مجازات. یعنی اعدام با طناب دار میباشد. قاضی: ختم جلسه ی دادگاه.

کمپانی تولید بشر پست مدرن..

قاضی: متهم در جایگاه بایستد. حاضرین قیام کنند. دادستان بیانات خود را اعلام کند. دادستان: آقای جیم یک جانی است. او تهدیدی برای امنیت ملی است. این جانی بنیان های نظام اجتماعی را به خطر انداخته است. او قوانین بشری و هنجارهای نظام مارا به بازی گرفته است. او یکی از اعضای اجتماع است. او یک شهروند ساده است مثل همه ی ما. ما متعلق به خودمان بدون شرح!

دوستی در دانشگاه صنعتی اصفهان داشتم به اسم برنا که انقدر در فکر رفتن به خارج از کشور بود که به او لقب برنا فرنگی داده بودند! اگر به اون پیشنهاد رفتن به افغانستان و ترکستان هم می شد با سر می رفت و هر کی از شهر فرنگ حرفی میزد قند مکرر تو دلش آب می شد. هروقت تو روزنامه یا رسانه های دیگه صحبت از فرار مغزها می شد اون خودشو جز مغزهای فراری می دونست که قرار از این مملکت بره، تنها عضوی از بدنش که اصلن ازش استفاده نمی کرد مغزش بود اون بیشتر کاراشو غریزی انجام می داد! پدرش از متمولین و زمینداران بزرگ و سرشناس گرگان بود، ولی برای رفتن او به خارج از کشور شرط کرده بود که لیسانسش رو در ایران بگیره و برای تحصیلات تکمیلی به خارج از کشور بره اون به ضرب و زور تست و کلاس کنکور و معلم خصوصی و به گفته خودش نذر و نیاز مادر بزرگش پا به دانشگاه گذاشته بود دانشگاهی که بیشتر پادگان می نمود و با روحیات تنبل و سست عنصرانه او

سازگار نبود. بالاخره با کلی مشروطی و نذر و نیازهای مادر بزرگانه مدرک کارشناسی رو در ترم ۱۱ گرفت و یک سال بعد بالاخره به سرزمین آرزوهاش اروپا پا گذاشت و ویزای کشور انگلیس رو گرفت. در یکی از شبکه های اجتماعی دیدمش از اوضاع و احوالش پرسیدم گفت بیخیال درس شده و داره کار میکنه. در حین صحبت کردن خاطره ای واسم گفت که خیلی جالب بود. گفت یک روز که با ماشین از سر کار برمیگشتم در حال شنیدن رادیو بودم که برنامه رادیو قطع شد و وزیر بازرگانی انگلیس اومد روی خط رادیو و از مردم خواست با توجه به اینکه دولت در واردات قند و شکر با مشکل مواجه شده، مردم در طی دو سه هفته اخیر این کالا رو کمتر مصرف کنند تا مشکل رفع بشه. اون گفت بلافاصله پس از شنیدن این خبر خودمو به فروشگاه رسوندمو یک گونی قند و شکر خریدم و مٹ مورچه بارکش هن هن کنون رسیدم به خونه چن قدم مونده بود تا به در آپارتمان برسم که پیروزن صاحب خونه بالا سرم سبز شدو ازم پرسید این گونی چیه؟ با خوشحالی بهش

گفتم برو سریع هرچی قند و شکر میخای بخر که وزیر بازرگانی گفته تا ۳ هفته قند و شکر نداریم. برنا فرنگی گفت با شنیدن این خبر پیروزن که برنا اونو عجزوه می نامید انقدر برآشفتم که هرچی از دهنش دراومد به من گفت و چند بارم دندونای عملیش از دهنش پرید بیرون! پیروزنه بهش گفته بود جوانک احمق تو شنیدی دولت با مشکل مواجه شده و از ما خواسته کمتر مصرف کنیم رفتی جیره یک سالتو الان خریدی؟ چرا با دولت همکاری نمی کنی؟ سریع برو پشش بده شکم پرست! برنای قصه ما گفت با اون در حال کل کل بودم که زنگ زد به پلیس که بیان مشکلو حل کنند. پلیسا اومدنو میخاستن منو به جرم احتکار، ایجاد اختلال در سیستم توزیع غذای مردم و کلی اتهام بازداشت کنند که به غلط کردن افتادم و قند و شکر رو پس دادم اما اونا بیخیال نشدنو ازم تعهد گرفتن دیگه دست به این چنین اقداماتی نزنم! اما در کشور ما؟!... بقیه شو شما نظر بدید برا ماهنامه...

وحید توکلی ۹۳/۰۹/۱۵

معرفی وبلاگ + اطلاع رسانی انجمن ادبی ابوزیدآباد

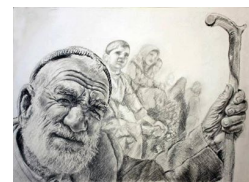
برای شرکت در شب شعر و محفل ادبی ابوزیدآباد می توانید نام و نام خانوادگی خود را به سامانه 23 73 23 1 000 000 ارسال کنید تا اطلاع رسانی انجام شود. همچنین آدرس وبلاگ انجمن ادبی به آدرس adabia.blogfa.com می باشد. آقای محمد گلایی مدیریت جلسات و دوستان یاسین و یوسف نجارزاده مسئول هماهنگی و اجرایی جلسات می باشند. جلسات در موسسه قرآنی منتظران ظهور ابوزیدآباد برگزار می گردد.

مردم کیست؟ به موجودی گفته میشه که از بدو تولد همراهیت میکنه و تا روز مرگت مجبوری که برای اون زندگی کنی. برای مردم خیلی مهمه که تو چی میپوشی؟ کجا میری؟ چند سالته؟ بابات چیکار؟ ناهار چی خوردی؟ چند روز به بار حموم میری؟ چرا حالت خوب نیست؟ چرا میخندی؟ چرا ساکتی؟ چرا نیستی؟ چرا ازدواج نمیکنی؟ چرا بچه دار نمیشی؟ چرا اینطوری نوشتی؟ عاشق شدی؟ چرا اونطوری نوشتی؟ فارغ شدی؟ چرا چشات قرمز؟ حشیش کشیدی؟ چرا لاغر شدی؟ شکست عاطفی خوردی؟ چرا چاق شدی؟ زندگی بهت ساخته؟ و چراهای بسیاری که تا جوابش رو بدست نیاره دست از سرت ور نمیداره. مردم ذاتا قاضی به دنیا میاد. بدون اینکه خودت خیر داشته باشی، جلسه دادگاه برات تشکیل میده، روت قضاوت میکنه، حکم برات صادر میکنه و در نهایت محکوم میشی. مردم قابلیت اینو داره که همه جا باشه، هر جا بری میتونی ببینیش، حتی تو خواب. اما مردم همیشه از یه چیزی میترسه، از اینکه تو بهش بی توجهی کنی، محلش نذاری، حرفاش رو نشنوی و کاراش رو نبینی. پس دستت رو بذار رو گوشت، چشمت رو ببند و بی توجه بهش از کنارش عبور کن و مشغول کار خودت شو.

پولداری که باشی برف بهانه ای میشود برای لباس نو خریدن، با دوستان به اسکی رفتن، تفریح کردن و از زندگی لذت بردن... اما خدا نکند فقیر باشی و برف ببارد از بیکار شدن پدر کارگرت بگیر تا غم پاره بودن کفشهایت و چکه کردن سقف خانه ات... خدایا چرا باید پول تعیین کند برف نعمت است یا عذاب؟



به مردی که یک پایش را از دست داده است، گفتن اینکه کسانی هستند که هر دو پایشان را از دست داده اند، تسلی دادن نیست بلکه دست انداختنش است. در درجه ی معینی از درماندگی و بیچارگی، دیگر هر مقایسه ی کمتی معنایش را از دست می دهد. **آرتور کوستلر / گفت و گو با مرگ انسانیت هنوز نفس می کشد...**



پدرم کارگر است.. به مزرعه می آید.. با آخرین ستاره از آسمان صبح.. و باز می گردد.. با اولین ستاره در آسمان شب.. پدرم خورشید است

با تشکر از آقایان: شیخ عبدالرضا عرب، مجید بهزادی، حسن امجدیان، محمدعلی ایللیاتی، وحید توکلی، احسان پیشه و خانم نسیم توکلی شاسوسا
کانون الغدیر، مسجد علی بن ابی طالب محمدآباد. ارتباطات:
پیامک: ۳۰۰۰۱۳۰۰۰۱۴۰۰۰
وبلاگ دریافت pdf ماهنامه: Alghadirblog.Blog.ir
مدیر مسئول: Haika
رابط: امین مسگری - ۰۹۳۰۹۹۹۰۰۱۴
ایمیل: aminmesgari@yahoo.com

حقایق شیرین

+ ریش سیبیل گذاشتم بابام گفت این چه کاریه شبیه ابوبکر بغدادی شدی، زدمشون الان میگه خاک تو سرت شبیه خواجه های حرمسرا سلطان سلیمان شدی! کولر که نیس نمیدونن به چی گیر بدن!
+ ملتی هستیم که فقط تو ترافیک پشت همیم...
+ تو فیس بوک تولد دختره بود پسره اومده نظر گذاشته: تولد شما مبارک، انشالله ۰۹۱۲۳۴۵۶۷۸۹ ساله بشی!
+ طرف رو با دوستش تو سرقت بانک میگن، قاضی بهش میگه: شما محاربین، حکمتون اعدامه! طرف میگه یعنی چی؟ قاضی میگه: یعنی جنگ با خدا! طرف به رفیقش میگه بی پدر نگفتم تیر هوایی نزن؟ بفرما خورده به خدا!
+ رایج ترین دروغ ما ایرانی ها پشت تلفن: اونم سلام می رسونه!
+ پسره درس نخونده، سربازی نرفته، شغل نداره، خونه ماشین نداره، ازش میپرسن: ازدواج نکردی؟ میگه نه هنوز دم به تله ندادم! یکی نیست بهش بگه بابا تو خودت تله ای!!!



آدمی که در این دنیاست چه کسی بداند
+
+
+
+
+
+
کتابه کجا می آید کجا می رود

نکته هایی پیرامون خوشنویسی ۱. خوش سلیقه بودن. خوش سلیقه بودن بدین معنا که وقتی به ظاهر تن، لباس شیک می پوشانیم، سعی می کنیم آن لباس، زیبا و جذاب باشد که بیننده را در نگاه اول مبهوت خود کند، پس نوشتن هم لباس اندیشه است و انسان تا وقتی کلام را به روی کاغذ بیاورد، اندیشه اش پنهان است و هنگامی که نوشتن را شروع می کند، خواه ناخواه تفکراتش نمایان متجلی می گردد. **۲. خوش ذوق بودن.** شاید در نگارش، خیلی ها ضرورتی برای زیبایی خط به خرج نمی دهند. حتی لازم نمی دانند که زیبا بنویسند. در بعضی اوقات نوع خط افراد شاید معمولی به نظر برسد، اما نیازی هم به زیبا نویسی در خود احساس نمی کنند. در این صورت باید اشاره کرد که شخص اهل ذوق نیست و از دیدن چیزهایی که روح انسان را مصفا می کنند، به وجد نمی آید. این گونه افراد معمولاً به محیط اطراف خود و وقایع زیبایی بی تفاوت هستند. بنابراین برای آنها فرقی ندارد که آسمان صاف است یا ابری، بهار و تازگی طبیعت نشاط انگیز است یا نه و چشمان بچه ها برق شادی دارد یا نه، یا خنده یک کودک تا چه اندازه می تواند آدمی را به عرش ببرد؟

تهیه و تنظیم: یوسف محمدی مدیریت آموزشگاه خوشنویسی نستعلیق تا شکسته نستعلیق
آدرس: ابوزیدآباد طبقه ی زیرین بانک تجارت. شماره همراه: ۰۹۱۳۹۶۲۵۱۳۷